



تأثیر قرآن کریم بر هنر اسلامی

۱. تمهید

چون ز نفس و حدیثش آبی تنگ	به کلام قدیم کن آهنگ
مُصْحَفی جو چو شاهدِ مهوش	بوسه زن در کنارِ خویشش کش
شاهدی گل‌عذار و مشکین خط	چهره آراسته به عجم و نُقْط
بلکه باغ بهشت و روضه حور	سبزه اش مشک و تَرَبَّتْش کافور
جذوُلْش چون چهارجوی بهشت	فیض بخش از چهارسوی بهشت
گِردِ جدول نقوش اعشارش	رُسته گلهاست گردانهارش

ابیات مزبور نمایه‌ای است پیرامون کتاب عزیز قرآن مجید که بی‌تردید در تمدن اسلامی و حتی در مدنیت بشری، سوای اعجازی که در انزال و وجودش نهفته است، از دیدگاه هنری اعم از خوش‌نویسی، تذهیب و مینیاتور و تجلید اعجاز‌آمیز است.

از همان اوان نخست که کتابت قرآن شکل گرفت و حافظان قرآن، مصحف را از سینه‌های خود بر روی نوشت‌ابزار (=قرطاس)^۱ نویسانیدند تا روزگاری که فن چاپ و نشر قرآن به صورت سنگی و سربی رواج یافت، قرآن مجید را به صورت‌های گونه‌گون و خطوط عدیده کتابت می‌کردند. تیمن و تبرک، و نیز اصول و قواعدی که در شیوه و طرز کتابت قرآن مد نظر مسلمانان بود سبب تکامل، تحول و تطور اقلام سته (خطوط ششگانه اسلامی) شد.

حرمت و عظمتی که کتاب خدای سبحانه و تعالی نزد مسلمانان داشت و نیز جمیع دستورالعمل‌های ذهنی و عملی متضمن بود و هست باعث آمد تا هنرمندان مسلمان همه یافته‌های زیبایی‌شناسی و احساسات نوآوری هنری‌شان را در کنار احکام متعالی و بلند قرآن کریم به کار گیرند، و از جمع آنها نگارخانه‌ای به وجود آورند که از یک سو نماینده و دلیل الهی برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی باشد، و از دیگر سو نمودار و جلوه‌گاه هنر اسلامی. بنابراین قرآن کریم، در سیر تحول و تطور هنر تذهیب و مینیاتورکاری اسلامی تأثیری بسزا و درخور گذارده است که تتبع و تأمل بر آن علل و چونی به کمال رسیدن هنر اسلامی را محقق و منجز می‌کند.

هم چنان مسأله صحافت و تجلید در جهان اسلام بی‌تردید یکی از پدیده‌های شگفت‌آوری است که اسباب و علل تکامل آن را می‌باید در تأثیر و شکوه و جلال قرآن کریم بر مسلمانان جستجو کرد، زیرا از همان روزگاری که مصاحف را در بین‌الدفتین قرار می‌دادند، اندیشه صحافت و جلدسازی نقش ارزنده‌ای به جای گذارد، و در تاریخ تمدن اسلامی سبب پیدایش انواع جلد‌های مستحکم و هنری گردید.

باری این دید و بینش هنری نسبت به قرآن کریم در تمدن اسلامی، به جایی رسید که تورات و انجیل نیز از هنر مزبور بهره‌ور گردیدند. چنان چه نسخه‌های زیادی از انجیل و تورات، با توجه به هنر اسلامی که بر اثر تعلق و گرایش عظیم مسلمانان به قرآن کریم به وجود آمده بود، آراسته و منقوش گردید.^۲

به هرگونه، برای آن که تأثیر قرآن کریم در تکامل و تحول هنر اسلامی نموده شود و نیز باب تأمل و تحقیق در این زمینه گشاده‌گردد لازم می‌نمود مجموعه‌ای هنری ترتیب داده شود تا ابعاد گسترده تأثیر قرآن کریم را از جهاتی که ذکر شد نشان دهد.

۲. کاربرد خطوط در کتابت قرآن کریم

از نکاتی که در علوم قرآنی مورد تدقیق و تحقیق محققان معارف قرآنی بوده است مسأله خط قرآن است و این که قرآن کریم را به چه خطی می‌توان نوشت؟

بیشترین آرا و نظرات محققان مذکور بر این است که متن قرآن، می‌باید که به خط عربی (اسلامی) نوشته شود و حتی عده‌ای چون زرکشی با آن که نوشتن متن قرآن را به خطوط غیر اسلامی نیز جایز دانسته‌اند، اما جانب منع و حرمت آن را گرفته‌اند.^۳

گذشته از حرمت و عدم جواز کتابت قرآن به خطوط غیر اسلامی، حتی عده‌ای که از باب تنوع، قرآن را به خطوطی که در تمدن اسلامی زایش و پرورش یافته مانند خط نستعلیق و خط باری کتابت



کرده‌اند، به دلایلی که بعد از این به تفصیل ذکر خواهیم کرد ناموفق بوده‌اند.

نکته‌ای دیگر، که در کتابت قرآن به نزد محققان علوم قرآنی حائز اهمیت بوده، چگونگی خطوطی است که قرآن را با آنها می‌نوشته‌اند. محققان بر آنند که مصحف را باید به خطی خوش، روشن، خوانا و درشت نوشت. چنانچه آورده‌اند امیرالمؤمنین علی (ع) از مصحف‌هایی که به خط ریز نوشته شده بود اکراه داشت.

نیز بیهقی در شعب الایمان آورده است که: علی (ع) بر ابو حکیم عبدی بگذشت در حالی که عبدی مشغول نوشتن مصحفی بود. آن حضرت فرمود: قلمت را بزرگ کن. من قلم را درشت ساختم و به کتابت پرداختم. آنگاه حضرت فرمود: بله، این چنین آن را منور کن، چنان که خدایش نورانی ساخته است.^۵

می‌دانیم که قرآن را پس از رحلت ختمی مرتبت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) کاتبان وحی به کتابت گرفتند. در اسناد و نگاهشته‌های پیشینیان یاد شده است، چندین مصحف که پس از پیامبر اکرم (ص) کتابت شده بوده، مانند مصحف حضرت علی (ع)، مصحف ابن مسعود، مصحف ابوالدرداء، مصحف مقداد بن اسود، مصحف ابو موسی اشعری، مصحف حفصه و دیگر مصاحف شخصی.^۶

این مصاحف، خصوصاً مصحف امیر مؤمنان علی (ع)، باید با خطی خوش و درشت کتابت شده باشد؛ زیرا آن حضرت بر خوانانویسی و درشت‌نویسی قرآن تأکید می‌کرده است. و بنابر روایتی استوار، ابوالأسود دوثلی (۶۹ هـ.ق) که تلمیذ آن حضرت بوده، با توجه به آموخته‌هایش از ایشان، در تطوّر خط کوفی خاصه وضع اعجام نقشی داشته است.^۷

ابن ندیم از یکی از اصحاب امیرالمؤمنین علی (ع) به نام خالد بن ابی هیاج یاد می‌کند که مصحفی نوشته بوده که از نظر خط در کمال زیبایی و استواری بوده است.^۸

و این خود دلایلی است متین، و مؤید این نکته که مصحف علی (ع) از استواری و حسن خط بهره‌مند بوده است.

باری، نسخه‌هایی که از قرآن مجید پس از حوادث روزگار به دست ما رسیده، چه نسخه‌های منسوب به حضرت علی (ع) و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام، و چه نسخه‌های قرآن که به خط عقبه بن عامر (کتابت سال ۵۲ هجری) و خدیج بن معاویه (کتابت سال ۴۷ هجری) و می‌نماید که قرآن کریم را با خطی استوار و زیبا کتابت می‌کرده‌اند.

پس از آن که ابن مقله (محمد بن علی بن حسین ۲۷۲ - ۳۲۸ هـ.ق) و ابن البواب (ابوالحسن علی بن هلال کاتب بغدادی ۴۱۳ یا ۴۲۳ هـ.ق) ظهور کردند، مصحف را در کمال زیبایی و استواری به کتابت برگرفتند، و از آن پس در قرون پنجم تا سیزدهم خوش‌نویسانی بنام چون یاقوت مستعصمی و ده‌ها تن از نسخ‌نویسان و نستعلیق‌نویسان نامور و گمنام، بارها به کتابت قرآن پرداختند، و در زمینه خط مصحف اهتمامی درخور ورزیدند، تا جایی که کتابت قرآن کریم را از اموری متبرک و متیمن بر می‌شمردند، و از جهت بهره‌وری از پاداش معنوی، قسمتی از عمرشان را صرف کتابت و تحریر قرآن می‌کردند. با توجه به این نکته بعید نمی‌نماید اگر می‌خوانیم که خازن (ابوالفوارس حسین بن علی بن حسین) پانصد نسخه قرآن به صورت جامع و یا به صورت عشر و پاره‌ای از قرآن، کتابت کرده بوده است، و آقا محمد رضا شیرازی نزدیک به چهارصد نسخه قرآن تحریر نموده است.^۹

به هرگونه، این توجه و تعلق صمیمانه خوش‌نویسان و مسلمانان به قرآن مجید سبب شد تا از یک سو قرآن کریم در





تحول و تطور انواع خطوط اسلامی مؤثر افتد، و از دیگر سو خوش نویسان مسلمان خوش نویسی و خطاطی را با توجه به الهامات قلبی و با نمایش آن توسط آیات و سوره قرآنی به مرحله‌ای برسانند که به عنوان اصیل‌ترین هنر اسلامی در تمدن بشری شناخته شود.

به هر تقدیر به نظر نگارنده این سطور، برای مطالعه و تتبع تاریخ هنر خطاطی در تمدن اسلامی، بایسته است که نخست جانب تأثیر قرآن کریم را بر خطوط اسلامی (اقلام سته) مطمح نظر داشته باشیم، زیرا این نامه الهی را به کرات و مرات، به چندین قلم (مانند قلم کوفی، نسخ، ثلث، ریحان و محقق، نستعلیق و غبار) نوشته‌اند و نسخه‌های موجود از قرآن کریم - که در موزه‌ها و کتابخانه‌های جهان نگهداری می‌شوند - می‌نمایانند که عرصه

پهناور و گسترده نامه الهی به طور بدیهی و طبیعی بیش از هر کتاب و رساله دیگر، جایگاه تجلی هنر خوش نویسی اسلامی بوده است. از این رو لازم است برای نشان دادن این مهم که تاکنون کمتر به آن پرداخته اند هریک از خطوطی را که قرآن کریم با آن کتابت شده است^{۱۵} به بررسی بگیریم و تأثیر قرآن را بر تحول و تطور خطوط مزبور جست و جو کنیم و علت رواج و یا عدم رواج کاربرد آن خط را با توجه به خط شناسی قرآن مجید بنماییم.

کوفی

محققان اقلام سته در این که قلم کوفی صورت تحول یافته خطوط آرامی است، یا گرفته شده از خط سریانی (خط حیری) اختلاف کرده اند؛ ولی شواهد و نمونه های کهن کوفی می نمایانند که خط مزبور شباهت بسیار زیادی با خط حیری دارد، خطی که سریانی های مقیم عراق کتب مقدس خود را بدان می نوشته اند.

باری، قلم کوفی در دور نخست کتابت قرآن کریم، منظم نبوده، و نیز نمی توانسته چگونگی تلفظ جمیع خصایص زبان عربی را نشان دهد. از آن گاه که قرآن را به خط کوفی نویسانیدند، به دلیل تدقیق مسلمانان بر لفظ و معنی حروف و کلمات قرآن، و نیز به علت مصون ماندن آن از تصحیف و تحریف، خط کوفی را اعجاب کردند و اشکال خاص را بر خط مزبور افزودند؛ به طوری که خط کوفی را از مرحله ابتدایی و نامشکول آن در آورده و به مرحله کوفی و پیشرفته رسانیدند. هم چنان که دیدیم، تحول و تطور خط کوفی در اصل، بر اثر کتابت قرآن به این نوع خط بوده است.



به هرگونه، چون مسلمانان هنرمند، قرآن را از همان آغاز به قلم کوفی می نوشتند، و کتابت آن را به خطی غیر از خط کوفی، تخطی از سنت بزرگان صدر اسلام بر می شمردند، لا اقل - تا آن جا که نُسَخ موجود از قرآن کریم می نمایاند - تا اواخر دو دهه از نیمه نخست سده چهارم هجری قرآن را به خطی سواي کوفی کتابت نکرده اند. هر چند از نیمه دوم سده چهارم - به دلایلی که بعد از این خواهیم گفت - کتابت قرآن به خط نسخ نیز رواج پیدا کرد، ولی تا اوایل سده ششم، غلبه با خط کوفی بود؛^{۱۶} به طوری که کوفی، به عنوان خط مصحف در تمدن اسلامی شناخته می شد. حتی مسلمانان غیر عرب که با قلم کوفی و زبان عربی چندان آشنایی نداشتند، آن گاه که به کتابت قرآن و ترجمه فارسی آن می پرداختند، نص آیات قرآنی را به قلم کوفی می نوشتند و ترجمه فارسی آن را به قلم نسخ کتابت می کردند.

به هر حال، پس از آن که در تمدن اسلامی چند قرن کتابت قرآن با خط کوفی انجام شد، بر اثر حس زیبایی شناسی کاتبان و نساخ قرآن مجید خط کوفی از مرحله ابتدایی به در آمد و تحولی شگرف و بسزا کرد؛ از نظرگاه حسن و زیبایی شکل نیز ربه کمال گذاشت و بدان پایه و منزلت رسید که چون خط نسخ در کتابت قرآن جای کوفی را گرفت، قلم کوفی به عنوان خط تزئینی در بسیاری از شؤون زندگی مسلمانان کاربرد پیدا کرد، به طوری که نه تنها سرسوره های قرآن را، پس از سده ششم بیشتر به این خط نگاهاشتند، بلکه از قلم کوفی در کتیبه های مساجد و دیگر مکان های مذهبی بهره بردند، و اصطلاح کوفی بنایی را در قاموس خطوط اسلامی وارد کردند.

نسخ

یکی از مهم ترین و رایج ترین خطوط در تمدن اسلامی، خط نسخ است. رواج بیش از حد آن طوری بوده است که

عده‌ای از خط‌شناسان، نسخ را مصدري گرفته‌اند به معنی اسم فاعل، یعنی ناسخ، چنان‌که فتح‌الله سبزواری می‌نویسد: «لفظ نسخ مصدر است به معنی اسم فاعل، یعنی ناسخ، چه از آن جهت که اکثر کتابت به این خط واقع است. به تخصیص کلام الله، کانه که این خط ناسخ سایر خطوط است.»^{۱۸}

عده‌ای از محققان و خط‌شناسان خطوط اسلامی گفته‌اند نسخ از خط نبطی گرفته شده است و در میان مصریان رایج بوده چنان‌که، خط کوفی در میان مردمان عربستان^{۱۹}. هر چند که گرفته شدن خط نسخ از نبطی مورد تأمل است و عده‌ای از پژوهش‌گران نسخ را گرفته شده از کوفی دانسته‌اند^{۲۰} اما مخطوطات تاریخ‌دار و کهنی در دست است که رواج صورت ابتدایی خط نسخ را به اوایل سده دوم هجری قمری می‌رساند؛ مانند رساله‌ای که علی البردی به سال ۱۲۷ق کتابت کرده است و یا رساله عکرمة که مورخ سال ۱۴۳ق است و یا اوراقی که در خصوص «خراج» کتابت سال ۱۹۶ق به ما رسیده است و نمونه‌های دیگر.^{۲۱}



باری از نمونه‌هایی که از اوراق کتاب‌ها و مصحف‌ها در دست داریم، چنین استنباط می‌شود که خط نسخ در تمدن اسلامی پس از خط کوفی رواج داشته و تا سده چهارم، فقط در زمینه کتابت احکام خراج و دیگر موارد به کار می‌رفته و ظاهراً تا حدود سنه مذکور، قرآن را به این خط کتابت نمی‌کرده‌اند؛ زیرا عده‌ای را عقیده بر این بوده که سواى خطی که کاتبان وحی، قرآن را به آن نوشته‌اند - یعنی کوفی - خط دیگری به کار گرفته نشود. اما از وقتی که کتابت قرآن مجید در میان ایرانیان رواج یافت، و کاتبان و خوش‌نویسان ایرانی با توجه به سنت کوفی نویسی در خصوص قرآن کریم، تصرفاتی کردند و در دور و سطح و شکل برخی

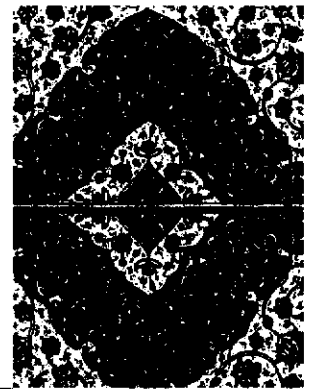
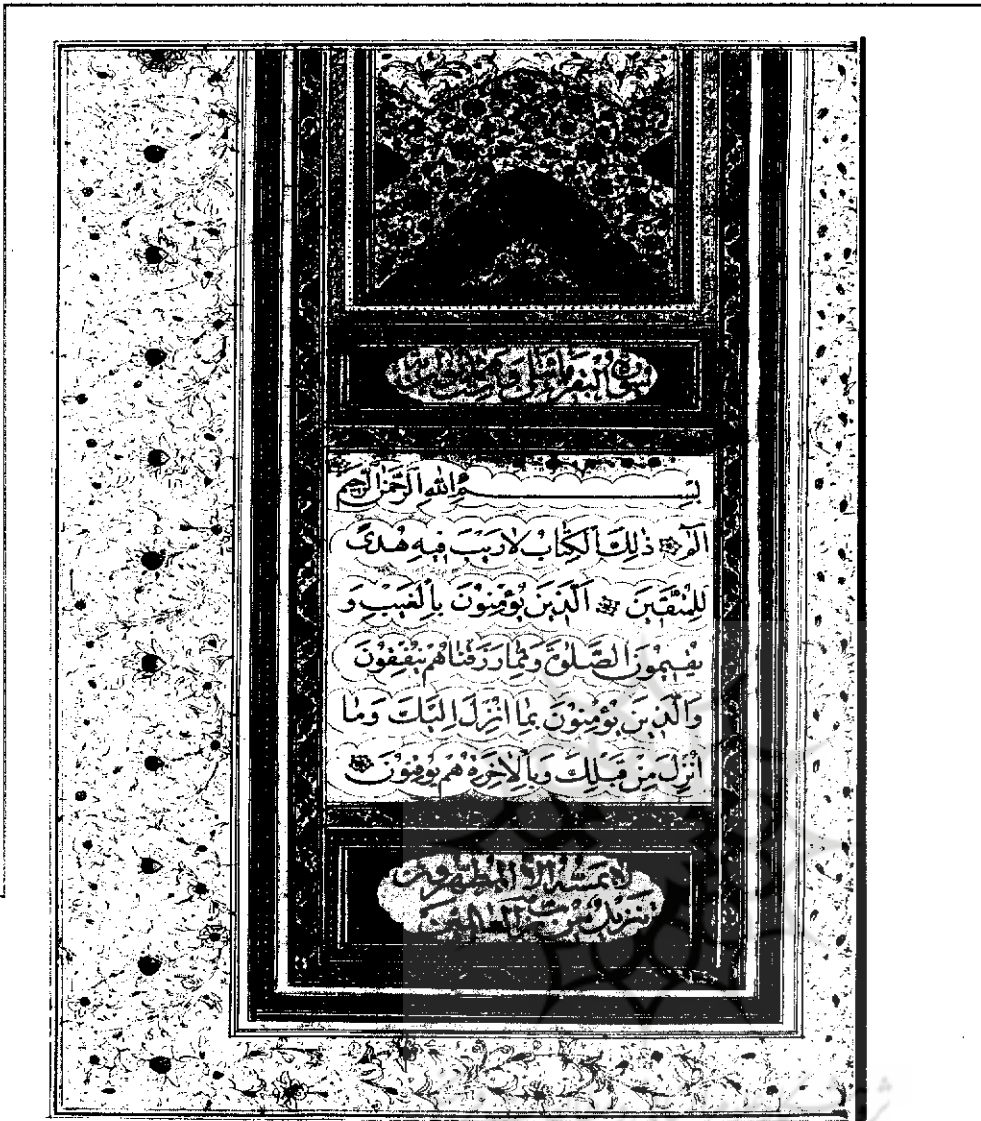
از حروف قلم کوفی تغییراتی دادند و نسخه‌هایی از قرآن مجید را نویسانیدند. این شیوه از خط کوفی را عده‌ای «شبه کوفی» یا «کوفی فارسی شرقی» نامیده‌اند^{۲۲} که گویا مقصود از خط فیراموز (= پیرآموز) که ابن ندیم از رواج آن در میان ایرانیان یاد کرده است^{۲۳} همین کوفی فارسی است.

به هر حال آنچه در خور تأمل و حایز اهمیت است این است که نسخه‌های موجود از قرآن مجید - که به قلم «کوفی فارسی» کتابت شده است و عده‌ای از متبعان اقلام سته، خط آنها را «کوفی پیرآموز» تشخیص داده‌اند - به منزله پللی است میان قلم کوفی و نسخ.

به هرگونه، از اواخر نیمه اول، از سده چهارم هجری کتابت قرآن به قلم نسخ رواج یافت. کهن‌ترین نسخه‌ای که از قرآن مجید در دست است و به خط نسخ نوشته شده، نسخه‌ای است با ترقیمة ابن بواب.^{۲۴}

ابن بواب (ابوالحسن علاءالدین علی بن هلال) ملقب به «قبلة الکتاب» یکی از خوش‌نویسان و واعظان بنام در سده چهارم هجری بوده است. وی با القادر بالله - بیست و پنجمین خلیفه عباسی - معاشرت داشته. مدتی از عمرش را در دستگاه بهاءالدوله بویه‌یی دیلمی (۳۷۹ - ۴۰۳ق) گذرانیده و به قولی ناظر کتابخانه بویه‌یی در شیراز بوده و در ۴۱۳ هجری در بغداد در گذشته است.^{۲۵}

گفته‌اند که ابن بواب در مدت عمرش شصت و چهار نسخه قرآن استکتاب کرده است^{۲۶} ولی یگانه نسخه‌ای که امروزه در دست است، نسخه‌ای است به شماره ک / ۱۶ در مجموعه چیستر بییتی انگلستان، که توسط دی. اس. رایس به تفصیل بررسی و توصیف شده است.^{۲۷}



نسخه مورد بحث - که به سال ۳۹۱ ق کتابت شده^{۳۸} - می نمایاند که خط نسخ، در این نسخه، در نهایت دقت و زیبایی به کار گرفته شده است. و این نکته ای است قابل تأمل، و مبین این که قلم نسخ، بدون تردید در اواخر سده سوم رواج داشته، هر چند که کتابت قرآن مجید به این خط، چند دهه پس از تاریخ مذکور پذیرفته شده است.

به هر حال، آن چه از مآخذ و منابع مربوط به هنر خوش نویسی و نیز از نسخه های موجود قرآن مجید بر می آید، این است که کتابت قرآن به قلم نسخ در اوایل سده پنجم رواج تمام یافت. پس از ظهور شاگردان ابن بواب مانند ابوالفضل خازن دینوری که در مدت عمرش ۵۰۰ نسخه از قرآن کتابت کرده است^{۳۹}، و متتبعان شیوه ابن بواب مانند عبدالؤمن بن صفی الدین اصفهانی و ابوالفرج جمال الدین عبدالرحمن بن علی مشهور به ابن جوزی^{۴۰}، کتابت قرآن به خط نسخ جای خط کوفی را تا جایی گرفت که پس از سده پنجم هجری اغلب خوش نویسان، قرآن را به قلم نسخ می نوشتند، و به ندرت نمونه هایی از نسخه های قرآن را می یابیم که پس از سده پنجم به قلم کوفی کتابت شده باشد.

گفتنی است که خط کوفی در تمدن اسلامی - پس از آن که قرآن نویسی به قلم نسخ رواج تام یافت - فراموش نشد و سواى نوشتن سرسوره ها به این خط، از قلم مذکور در کتیبه نویسی و تزئین بناهای اسلامی استفاده می شد؛ به طوری که

شیوه‌های بسیار ظریفی در کوفی نویسی به کار رفت، مانند شیوه کوفی تزیینی و کوفی قفل و غیره که رواج کوفی را در دیگر ابعاد هنری در تمدن اسلامی می‌نمایاند.

بعد از ظهور این بواب و شاگردان و متبعمان شیوه او، نسخ نویسی قرآن در سده هفتم هجری با ظهور یاقوت مستعصمی (جمال‌الدین ابوالمجد بن عبدالله، متوفی ۶۹۸^{۳۱})، شکوفاتر شد.

یاقوت که دو خط نسخ و ثلث را در نهایت زیبایی و دقت می‌نوشت، در مدت عمرش نزدیک به ۳۶۴ نسخه از قرآن کریم به خط ثلث و نسخ کتابت کرد^{۳۲}، به طوری که شیوه او در هر دو خط تا دیر زمانی مورد تتبع و تقلید خوش‌نویسان قرار گرفت.

بدین ترتیب پس از سده هفتم هجری، قرآن با آن که به خط ثلث و دیگر خطوط مانند محقق و ریحان نیز کتابت می‌شد ولی توجه کاتبان قرآن و خوش‌نویسان به قلم نسخ بیشتر بود؛ زیرا خط نسخ خواناتر از دیگر خطوط اسلامی بود و خوش‌نویسانی هنرمند مانند ابن بواب و یاقوت به قلم مذکور توجه در خور کرده، و قواعد و اصول آن را، اعم از دوز و سطح و بافت حروف ساخته و پرداخته بودند.

خوانایی قلم نسخ از یک سو، و نوشتن رساله‌هایی در قواعد خط مذکور از سوی دیگر^{۳۳}، پیوندی استوار میان زبان قرآن (= عربی) و اشکال خط نسخ به وجود آورد. این پیوند به گونه «عادت» از جانب مسلمانان پذیرفته آمد و سبب شد تا قرآن نویسی با خطوط دیگر - جز در موارد هنری و زیبایی‌شناسی - مورد توجه قرار گیرد. از اینجاست که تا امروز قرآن را به خط نسخ می‌نویسند و چاپ می‌کنند.

نستعلیق

خط نسخ، که به قیاس کوفی، هم در نوشتن و هم در خواندن سهل‌تر می‌نمود، نه تنها برای ضبط زبان عربی به کار می‌رفت، بلکه برای کتابت نگاهشته‌های فارسی نیز استفاده می‌شد. پس از آن که ایرانیان، خط تعلیق را رواج دادند، در نیمه دوم از سده هشتم قلم نسخ و تعلیق را با هم تلفیق کرده^{۳۴} و در آمیختند و خطی به وجود آوردند به نام نسخ تعلیق (= نستعلیق)، که در اندک زمانی، برای ضبط و ثبت زبان فارسی، رواج یافت و در میان فارسی‌زبانان جای دیگر خطوط را گرفت.

چون قلم نستعلیق نزد فارسی‌زبانان، هم از جهت تند نویسی، و هم از نظر زیبایی‌شناسی، مورد توجه بود، عده‌ای از نستعلیق‌نویسان، قرآن مجید را به این خط نیز کتابت کردند. مهم‌ترین نسخه‌هایی که از قرآن کریم به این خط نوشته شده و به ما رسیده عبارتند از:

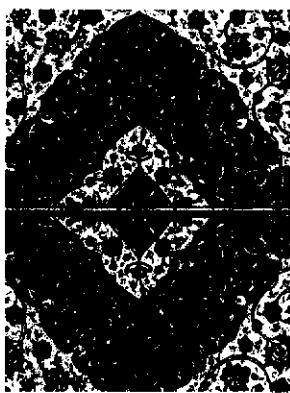
- قرآن مجید به خط نسخ تعلیق میرزا اسدالله شیرازی که به سال ۱۲۶۸ به دستور محمد شاه قاجار کتابت شده است^{۳۵}.

- قرآن کریم به قلم نستعلیق نیم دو دانگ خوش به خط شهرامیر شیرازی^{۳۶}؛

- قرآن به قلم نستعلیق به خط محمد علی شیرازی (م ۱۲۵۵) که به سال ۱۲۴۸ ق کتابت آن را به پایان رسانیده است^{۳۷}.

- قرآن به خط نستعلیق دو دانگ محمد حسین دماوندی به سال ۱۰۹۳^{۳۸}؛

- قرآن کریم به خط نستعلیق سید حسین میرخانی که به سال ۱۳۲۹ کتابت شده و در پیش‌گفتار ناشر به نادرست آمده



است که قرآن را برای اولین بار مرحوم میرخانی کتابت کرده و خواندن قرآن را با اعمال این شیوه آسان نموده است! همین نسخه به سال ۱۳۶۸ ق با منتخب التفاسیر مرحوم الهی قمشه‌ای نیز چاپ لوحی شده است.

— ایضاً قرآن مجید به خط همو که در ۱۳۳۹ کتابت کرده و در همان سال، در تهران به چاپ رسیده است.

از ترقیمه‌های نسخه‌های مذکور بر می‌آید که قرآن نویسی به قلم نستعلیق، پس از سده دهم هجری رواج یافته بوده است. البته خوش‌نویسان پیش از قرن یازدهم نیز برخی از آیات و سوره‌های کوتاه قرآن (سورالقصص)، خاصه فاتحة الكتاب را، بارها به خط نستعلیق کتابت کرده‌اند، اما کتابت یک یا چند آیه کریمه؛ و نیز سوره‌های کوتاه قرآن، از جهت مرقع‌سازی معمول بوده است، نه از جهت پرداختن نسخه‌ای از قرآن مجید جهت قرائت.

با این همه، چون قرآن را در طول چندین قرن به خط نسخ نوشته‌اند، و میان زبان قرآن (عربی) و خط نسخ پیوندی استوار به وجود آمده، و نیز تشخیص آیات قرآنی، خاصه در میان فارسی‌زبانان، با خط نسخ به گونه‌ای عادت شده است، کتابت قرآن به خط نستعلیق مورد توجه قرار نگرفت، و جز چند نمونه — که نسخه‌های موجود آنها را نشان دادیم — خوش‌نویسان به کتابت قرآن با قلم نستعلیق اهتمام نورزیده‌اند.

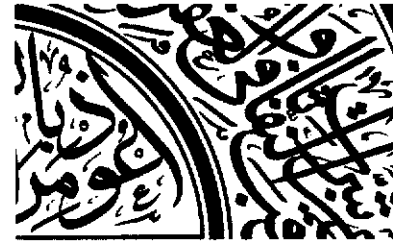
□ □ □

در ذیل این بخش ذکر این نکته لازم است که: سوای آن‌که در تمدن اسلامی، خوش‌نویسان

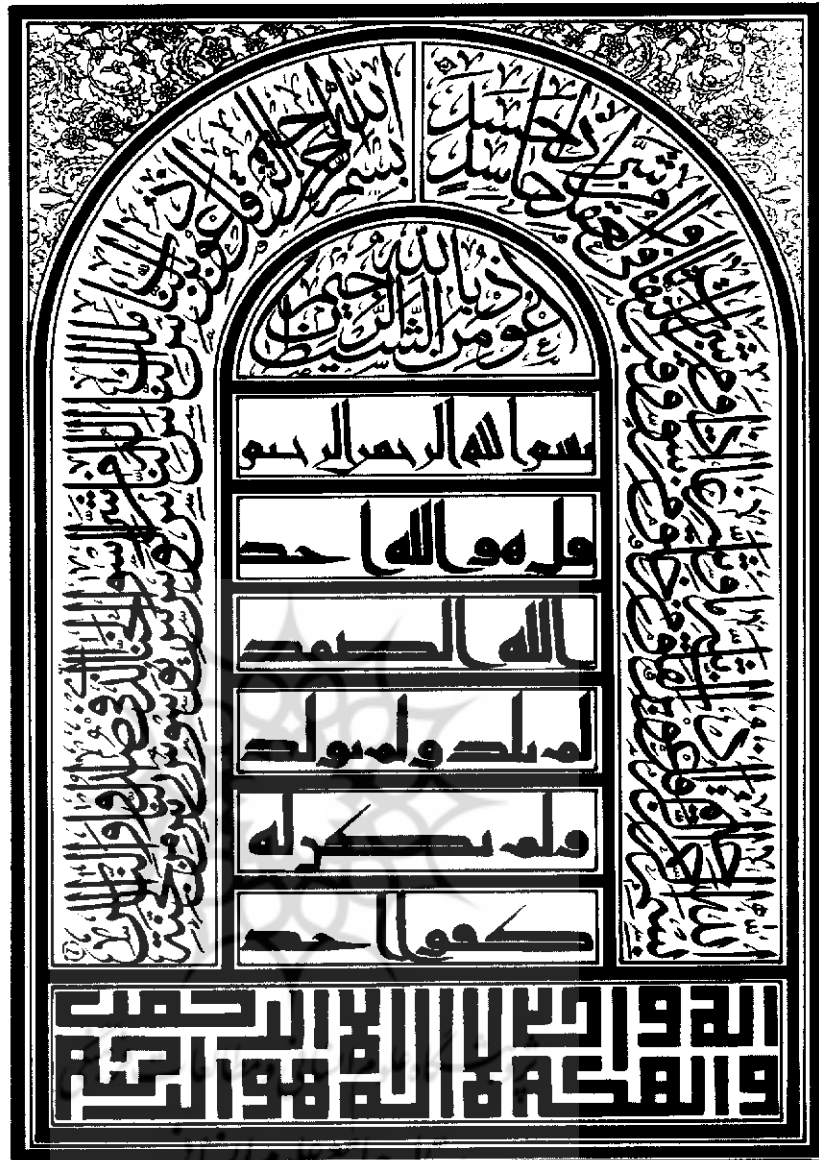
به وسیله قرآن هنر خطاطی و خوش‌نویسی خود را بروز دادند، و قرآن را با خطوط متنوع مانند کوفی و نسخ و نستعلیق و ثلث و ریحان و محقق و غبار و غیره کتابت کردند، و هزاران نسخه از قرآن را جهت قرائت و تلاوت و استفاده مسلمانان عرضه داشتند، گاه‌گاهی نیز قرآن را بهترین و پاکیزه‌ترین تجلی‌گاه هنر خویش ساختند. به طوری که اگر خوش‌نویسی، بر نوشتن چند نوع خط تسلط می‌داشت، از همه آن انواع خط در کتابت قرآن بهره می‌برد، و نسخه‌ای از قرآن را می‌نوشت که هر صفحه‌ای از آن جلوه‌گاه هنر خطاطی به شمار رود.

از جمله این نوع نسخه‌های قرآنی می‌توان به نسخی اشاره کرد که در سده نهم هجری رواج تام داشته است. امروزه به نسخه‌های مزبور «قرآن‌های سه خطی» گفته می‌شود. کاتبان خوش‌نویس در ایجاد این نوع نسخه‌ها از چند قلم استفاده می‌کرده‌اند، به طوری که اولین سطر و آخرین سطر را در هر صفحه، به صورت جلی، با یک قلم می‌نوشتند و سطر وسط را هم به هیأت درشت با قلمی دیگر، و سطور مابین این سه سطر را با قلمی غیر از اقلام مذکور کتابت می‌کردند. از جمله این گونه نسخه‌ها می‌توان به نسخه‌ای از قرآن مجید توجه کرد که به دستور طهماسب صفوی توسط دوست محمد هروی (زنده ۹۶۸ ق) کتابت شده، و در آن، سه قلم نسخ و ثلث و ریحان به کار گرفته شد است. کاتب، سطر اول و آخر هر صفحه را به قلم ریحان، و سطر وسط را به قلم ثلث و سطور مابین سه سطر مذکور را به قلم نسخ نوشته است.^{۳۶}

هنرورزی مذکور در خصوص کتابت قرآن مجید، حاکی از تعلق خاطر و گرایش صمیمانه خوش‌نویسان مسلمان است به کتاب زندگی‌ساز مسلمانان؛ چندان که توجه و تأمل بر نسخه‌های موجود از قرآن کریم از یکسو کمال عقیده آنان را به احکام سازنده الهی می‌رساند، و از دیگر سو کمال هنر آنان را که بر اثر عقیده و تأثیر قرآن مجید به وجود آمده



القرآن والفهر



و خطوط اسلامی را در زمره هنرهای الهام‌بخش و دل‌انگیز در تمدن بشری گردانیده است، می‌نماید.

۳. قرآن مجید جلوه‌گاه هنر تذهیب

از نخستین نسخه‌های موجود قرآن که می‌توان آنها را به قرون دوم و سوم هجری نسبت داد بر می‌آید که تزیین و زیباسازی اوراق و جلد قرآن، رواجی نداشته است؛ ولی روایاتی هست که مسلمانان صدر اسلام زینت کردن مصحف را با نقره، از جهت احترام به آن، جایز می‌دانسته‌اند. بی‌هقی به نقل از ولید بن مسلم آورده است که: از مالک درباره نقره کردن مصحف سؤال شد، وی مصحفی نشان داد که در عهد خلیفه سوم کتابت شده بود و اوراق آن مزین به نقره بود.^۳

اما تزیین و آراستن قرآن به طلا مورد اختلاف مسلمانان بوده است. چنان‌چه عده‌ای زینت کردن اوراق قرآن را به زر جایز نمی‌داشتند، و عده‌ای به زر آراستن اوراق قرآن را می‌پذیرفتند ولی طلاکاری جلد قرآن را به علت آن که جدا از قرآن است روانمی‌شمرده‌اند.^۴

به هر گونه، نسخه‌های قرآن - که از دو قرن مذکور بازمانده است - می‌نمایند که زینت کردن قرآن به شیوه‌های هنری آن، در آن روزگار معمول نبوده؛ فقط اعجام و اعراب و شد و مد قرآن را با رنگ‌هایی چون شنگرف و زنگار می‌گذارده‌اند، که هر چند این مورد امروز از نظرگاه هنری نیز قابل تأمل است، اما در آن روزگاران، به کار بردن این رنگ‌ها صرفاً به دلیل ممتاز کردن میان کلمات قرآنی و اشکال مزبور یعنی اعراب و اعجام صورت می‌پذیرفته.

لازم به یاد آوری است که نسخه‌هایی از قرآن در دست است که کاغذ و شیوه خط کوفی آنها، نسبت آنها را به سده سوم اثبات می‌کند.^{۳۲} در جای جای این نسخه‌ها، هنر تذهیب و زیباسازی خط با تحریر دیده می‌شود. مثلاً در قرآن شماره ۶ کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی مشاهده می‌کنیم که صفحات دوم و سوم آن به صورت قلم‌کار تذهیب شده، و اسامی سوره‌دارای تحریر است و فواصل آیات با نشانه‌های ترنجی مذهب شده است. به گمان نگارنده این سطور، تذهیب این نسخه‌ها، در دوره‌های بعد و گویا پس از سده چهارم، یعنی سال‌ها بعد از کتابت آنها انجام گرفته است؛ زیرا مذهب بادشواری نشانه‌های زرین و مذهب رادر جای خود قرار داده، به طوری که هنگام کتابت، در نسخه، جایی برای این نشانه‌ها در نظر گرفته نشده است. به هر حال، از سده چهارم هجری، اندک اندک، تزیین و آرایش برخی از مواضع اوراق قرآن مجید آغاز شده است به طوری که در نسخه‌های موجود قرآنی از این دوره دیده می‌شود که سرسوره‌ها را با خطی تزیینی غیر از خط متن کتابت کرده‌اند، و آنها را بین کتیبه‌ای مستطیل شکل - که دارای گره‌بندی‌ها و جدول‌های تحریردار و گل و بوته است، و از یک سو به ترنجی منقش وصل شده - قرار داده‌اند. نیز فواصل آیات را با اشکالی دایره‌نما و امرودگونه که به الوان



سرخ و زنگار ملون است تزیین نموده‌اند، و برای کلمات «حزب» و «عشر» و «خمس» و مکی و مدنی بودن آیات، از اشکالی مذهب مانند شمس، خدنگ و گل برگ استفاده کرده‌اند.^{۳۳}

در سده پنجم هجری، که خوش‌نویسی قرآن راه‌کمال رفته بود، هنر تذهیب نسخه‌های قرآن نیز رواجی تام و تمام پیدا کرد. نسخه‌هایی از قرآن که از این دوره به ما رسیده، بعضاً از نقایس هنری در تاریخ هنر اسلامی به شمار می‌روند. ورزیده‌ترین مذهب قرن پنجم هجری که خود خوش‌نویس نیز بوده، ابو عمر عثمان بن حسین وراق مذهب از مردمان غزنین است. نسخه‌ای از قرآن که به دست او کتابت شده و هم‌اکنون به صورت پراکنده و جزو جزو در کتابخانه‌های ایران موجود است^{۳۴}، یکی از شاه‌کارهای هنری شگفت‌انگیزی است که جهت بی‌بردن به تاریخ هنر تذهیب در خصوص قرآن مجید از جمله نمونه‌های معتبر و موجود می‌باشد. برای بی‌بردن به ابعاد هنری نسخه مذکور، پاره‌ای از ویژگی‌های برخی از اجزای آن را در ذیل یاد می‌کنیم:

«هر جزوی از آغاز دو صفحه تمام تذهیب متناظر دارد که طرح و نقش آن با جزو دیگر متفاوت است. اسامی سوره‌ها به خطوط مختلف است، و «بسمله»ها به چندین نوع کوفی نوشته شده است. صفحه افتتاح برخی از جزوها با نقوشی تزیین گردیده. آخرین صفحه هر جزو با پیچ‌های معکوس شنگرفی زمینه‌سازی شده، و در وسط آن یک طرح زیبای اسلیمی گیاهی با تحریر شنگرف جلوه‌گر است. صفحات قرآن جدول و کمند ندارد. نقطه‌ها به زر تحریردار نموده شده، و فواصل آیات با دوایر زرین بزرگ - که بعضاً زرین منقش است - نشان شده است. زمینه دوایر مذکور با افشان سرنج روی زر ساخته شده و اطراف آن اسلیمی گیاهی است دارای تحریر. ترنج‌های زرین شمس‌دار حواشی در تمام اجزای

الدور والله

نقطه مذکور با نقش‌های متفاوت و بدیع طراحی شده، و هر ترنج مبین ده آیه است. تمامی نشانه‌ها، سرسوره‌ها و نقوش دیگر این نسخه متنوع است؛ چنان‌چه در جزوسی ام که دو سر لوح و سی و شش سر سوره و چهل ترنج و دو صفحه تمام تذهیب دارد همه طرح‌های آن دیگرگون است و هیچ یک از نقوش مزبور با همدیگر همانندی ندارد.^{۲۵}

هم‌چنان‌که در توصیف آرایش‌های نسخه مذکور دیدیم، بیشترین نسخ موجود قرآن مجید از سده پنجم و ششم هجری، با زروالوان دیگر چون زنگار، سرنج، شنگرف، لاجورد، سیلو، زعفران و غیره تزیین شده است؛ به طوری‌که هر نسخه‌ای از نسخ مذکور، نمایان‌گر اعتقاد و هنر دل‌انگیز مذهبیان جهان اسلام تواند بود.

در سده هفتم هجری که نسخه‌های قرآنی به خط یاقوت و یا به شیوه او رواج یافت، تذهیب قرآن نیز رونق بیشتری پیدا کرد. چنان‌چه نه تنها چهار صفحه آغاز و انجام به صورت متناظر و متقابل تذهیب می‌شد، بلکه اوراق به جدول‌های مزدوج و کمند منظم می‌گردید و از اشکال هندسی مرصع و مذهب برای نشان دادن فهرست سوره‌ها استفاده می‌شد.

به هر تقدیر در قرن هشتم و پس از آن تا روزگار چاپ قرآن مجید، مذهبیان، وراقان و نقاشان بسیاری در عرصه هنر اسلامی پیدا شدند، و هر یک بنا بر مقتضیات محل زندگی خود، و با توجه به کمال حرمت قرآن مجید، در تذهیب و زینت کردن قرآن تلاش و کوشش کردند. آنان نقوش اسلیمی ختائی، افشان‌گری، قطاعی، طلائندازی بین‌سطور، تشعیر، سوزن‌زنی و دیگر یافته‌های هنری‌شان را در تزیین و آرایش نسخه‌های قرآن مجید به کار

گرفتند، و نسخی از قرآن کریم پرداختند که بدون تردید، نه تنها نمایه و نمونه آنها را در مورد کتاب‌های مُنزل و الهی پیش از قرآن نمی‌توان سراغ گرفت، بلکه در هیچ کتاب و نگاشته‌ای این همه هنرنمایی نمی‌توان یافت.

و این نکته — هنر تذهیب اسلامی — را باید مرهون و منبعث از گرایش و ایمان هنرمندان مسلمان به کلام خدای تعالی دانست که اگر چنین ایمانی نمی‌بود هرگز هنر ظریف، باریک و دقیق مینیاتور و تذهیب در تمدن اسلامی به این صورت رشد و نمو پیدا نمی‌کرد. جای دارد که اگر پیشینیان، بحث بلاغت را در زمینه علوم قرآنی پیش کشیده‌اند، محققان معاصر، زیبایی‌شناسی نسخه‌های قرآن را جزو علوم صوری قرآن مجید به‌شمار آورند.

پی‌نوشت‌ها

۱. جامی، هفت‌اورنگ، سلسله‌الذهب، ص ۷۷.
۲. ابزاری که در آن روزگار قرآن کریم را بر آنها می‌نویسند عبارت است از: لخاف (جمع لخفه: لوح‌های نازک سنگ)، عسب (جمع عسیب: شاخه خرما)، اکتاف (جمع کتف: استخوان‌شانه گوسفند یا شتر)، ادیم (نوعی چرم)، اقاتاب (چوبی که بر پشت شتر قرار می‌دادند) ر.ک: بیهقی، الجامع لشعب الایمان، حافظ عزیز بیگ القادری، حیدرآباد، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۲۸.

۳. از آن جمله است نسخه‌ای بسیار نفیس از انجیل که مطابق با اصول فن تذهیب و مینیاتورکاری اسلامی آراسته شده، محفوظ در موزه قبطی قاهره. ر.ک: زکی محمد حسن، فنون الاسلام، بیروت ۱۴۰۱ ق. ج ۳، ص ۱۶۳-۲۶۲.
۴. ر.ک: سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره ۱۳۸۷، جزء ۳، ص ۱۵۹-۱۶۰. قال الزرکشی: لم ارفیه کلاماً لاحد من العلماء. قال لسان العرب، ولقولهم «القلم احد اللسانین والعرب لاتعرف قلماً غیر العربی» وقد قال الله تعالی: بلسان عربی مبین.
۵. سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی تهران ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۳۹.
۶. ر.ک: ابن ندیم، الفهرست، تحقیق رضا تجدد، ص ۳۰.
۷. ر.ک: یعقوبی، تاریخ، بیروت ۱۷۰/۲.
۸. درباره تاریخ جمع و نوشتن مصاحف بنگرید به: محمود رامیار، تاریخ قرآن، تهران، ۱۳۶۲، ص ۳۳۳ به بعد.
۹. ر.ک: فلفشندی، صبح الاعشی، قاهره ۱۵۵/۲ نیز به محمود شاکر الجبوری، نشأة الخط العربی و تطوره؛ بغداد ۱۹۷۴؛ ص ۴۶.
۱۰. قال محمد بن اسحاق: اول من كتب فی الصنذر الاول و یوصف به حسن الخط، خالد بن ابی الهیاج، رأیت مصحفاً بخطه، الفهرست، پیشین، ص ۹.
۱۱. برای اطلاع از این نسخ قرآن بنگرید به احمد گلچین معانی، راهنمای گنجینه قرآن مشهد، ۱۳۴۷ خ، ص ۲۳-۲۴؛ کاظم مدیرشانه چی، «نسخه‌های کهن قرآن مجید»، مجله مشکوة.
۱۲. شانه چی، پیشین، ص ۱۲۰-۱۲۱.
۱۳. راجع به خط ابن بواب و قصیده او در همین زمینه بنگرید به: ابن خلدون، مقدمه، پیشین، ص ۸۳۷-۸۳۸.
۱۴. ر.ک: کاظم مدیرشانه چی، «قرآن‌های چاپی»، مجله مشکوة.
۱۵. ابن ندیم در الفهرست، پیشین، ص ۹ خطوط مصاحف را به این قرار برشمرده است: مثلث، مدور، کوفی، بصری، تجاوید، سطواطی، مصنوع، منابذ، مرصع، سجلی، فیرآموز، غیر از اینها، قرآن کریم را به خط حزم (خط مردم حجاز) و خط مسند نیز کتابت کرده بوده‌اند. ر.ک: رامیار، تاریخ قرآن پیشین، ص ۴۹۰-۴۹۶. اما ما در اینجا به چند خط مهم مانند: کوفی، نسخ و نستعلیق که در تاریخ خوش نویسی بسیار مهم تلقی شده‌اند، و تأثیر قرآن در تحول و تطور آنها به وضوح عیان است، توجه می‌دهیم.
۱۶. برای اطلاع از آرای محققان در این زمینه بنگرید به: رژی بلاشر، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه آ- آذرنوش، جلد اول، تهران، ۱۳۶۳، ص ۹۸ به بعد. محمود شاکر الجبوری، الخط العربی و تطوره، پیشین، ص ۱۰۱-۱۰۵؛ رامیار، تاریخ قرآن، پیشین، ص ۴۹۶-۴۹۷؛ علی راهجیری، تاریخ مختصر خط، تهران، بی تاریخ، ص ۵۵ به بعد.
۱۷. گفتنی است که پس از قرن ششم باز هم قرآن مجید را گاه‌گاهی به خط کوفی می‌نوشتند ولی چون خوانش کوفی در تمدن اسلامی از رواج افتاد کتابت قرآن به خط کوفی، صرفاً جنبه تزیینی داشت چندان که نسخی که از قرآن مجید را در سده ۸-۱۳ نوشته‌اند در برخی از نمونه‌های آن در زیر آیات همان آیه را به خط نسخ نیز کتابت کرده‌اند که این نمونه‌ها دلیل استوار از برای ادعای مذکور است.
۱۸. «اصول و قواعد خطوط سته»، به کوشش افشار، چاپ شده در فرهنگ ایران زمین، ج ۱۱، ص ۱۳۱.
۱۹. ر.ک: رژی بلاشر، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه آذرنوش، تهران، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۹۸.
۲۰. ر.ک: کاظم مدیرشانه چی، «نسخه‌های کهن قرآن مجید»، چاپ شده در مجله مشکوة.
۲۱. برای رؤیت نمونه‌های آن بنگرید به: ناجی زین الدین، الخط العربی، بغداد، ۱۴۰۰، ص ۳۴-۳۸.
۲۲. ر.ک: المخطوط الوحید لابن البواب، قدم له دی. اس. رایس، تعریب احمد الأرفلی، بیروت، بی تا، ص ۷-۸.
۲۳. ر.ک: الفهرست، پیشین، ص ۹. ابن ندیم فیرآموز را از جمله خطوط مصاحف دانسته است.
۲۴. ر.ک: المخطوط الوحید لابن البواب، پیشین، ص ۹. این نسخه به شماره ۱۶ / مجموعه جیستریتی در انگلستان محفوظ، و رقم آن چنین است: کتب هذا لجامع علی بن هلال بمدينة السلام (بغداد) «سنة احدى وتسعين وثلاثة مائة».
۲۵. او را ابن الستری نیز گفته‌اند، زیرا پدرش ملازم «ستراباب» بوده است. ر.ک: ابن خلکان، وفیات الاعیان، تحقیق احسان عباس، بیروت، بی تا، ج ۳، ص ۳۴۲، ش ۴۵۷.
۲۶. ر.ک: دبیری نژاد: «سیر خوش نویسی در قرن پنجم هجری»، مجله هنر و مردم، س ۱۳۵۱، ش ۱۲۱، ص ۵۴.



۲۷. بررسی رایس را احمد الازفلی به عربی ترجمه کرده و به نام المخطوط الوحید لابن البواب در بیروت به چاپ رسانیده است.
۲۸. عکس صفحاتی از نسخه مذکور را ناجی زین الدین در مصوّر الخط العربی، ص ۴۴ - ۴۵ عرضه کرده است.
۲۹. ر.ک: مؤدب السلطان، پیدایش خط و خطاطان، تهران، ص ۱۴۶.
۳۰. ر.ک همان کتاب، همانجا.
۳۱. ر.ک: ابن الفوطی، الحوادث الجامعة، طبع بغداد، حوادث سال ۶۹۸.
۳۲. بعضی نوشته‌اند که یاقوت در مدت عمرش نزدیک به هزار نسخه قرآن نوشته است. ر.ک: عبدالمحمدخان ایرانی، پیدایش خط و خطاطان، ص ۱۷۲.
۳۳. ر.ک: فلقشندی، صبح الأمشی، پیشین، ص ۲۳ به بعد که براساس خط نسخ شکل حروف را نموده است؛ و نیز محمد راوندی، راحة الصدور، به تصحیح محمد اقبال ص ۴۳۷ که معرفت اصول خط را با توجه به قلم نسخ بیان داشته است.
۳۴. برای اطلاع بیشتر بنگرید به: فضاییلی، اطلس خط، ج ۲، تهران، ۱۳۶۲، ص ۴۴۴.
۳۵. ر.ک: نامه دانشوران، به نقل از مهدی بیانی: احوال و آثار خوش نویسان، تهران، ج ۲، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۶۳.
۳۶. این نسخه در موزه آثار اسلامی در استانبول موجود است. احوال و آثار خوش نویسان، پیشین، ج ۱، ص ۳۱۹.
۳۷. نسخه مزبور در کتابخانه دانشگاه استانبول محفوظ است. احوال و آثار خوش نویسان، پیشین، ج ۲، ص ۴۷۹.
۳۸. ر.ک: بدری، اتابای، فهرست قرآن‌های خطی کتابخانه سلطنتی، ص ۱۳۱.
۳۹. این نسخه هم اکنون در موزه آستانه معصومه قم (ع) محفوظ است. ر.ک: احوال و آثار خوش نویسان، پیشین، ج ۱ ص ۸۸.
۴۰. ر.ک: سیوطی، الاتقان، پیشین، ۵۴۶/۲.
۴۱. ر.ک: سیوطی، پیشین، همانجا.
۴۲. از جمله نسخه‌های شماره ۶، ۱۲، ۱۶ و ۱۵۸۶ کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، که برخی از آنها در این مجموعه ارائه شده و نیز در راهنمای گنجینه قرآن، پیشین، ص ۲۳ - ۲۴ معرفی شده است، نیز نسخه شماره ۱۶۲ از قرآن مجید، محفوظ در موز دانش پژوه، فهرست نسخ خطی، کتابخانه موزه قم، ۱۳۵۵، ص ۲۴۷.
۴۳. نمونه بسیار عالی این گونه تذهیب‌ها در نسخه‌های قرآنی سده چهارم، نسخه‌ای است به خط ابن بواب که در ۳۹۱ق کتابت و تذهیب شده، و پیش از این مشخصات آن را نشان داده‌ایم.
۴۴. ر.ک: گلچین معانی، «شاه‌کارهای هنری از قرن پنجم هجری و سرگذشت حیرت‌آور آن»، مجله هنر و مردم، س ۱۳۲۵، ش ۱۵۷، ص ۴۵ به بعد.
۴۵. مجله هنر و مردم، پیشین، ص ۵۷ - ۵۸. پس از عثمان و راق، فرزند او به نام محمد بن عثمان راه پدر را پی کرد و مانند او خوش نویسی و تذهیب می‌کرد یک جزو از نسخه قرآن مجید (جزو ۲۳) که هم اکنون در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی موجود است از کارهای هنری او باقی مانده که شباهت بسیار زیادی با تذهیب و خط پدرش دارد.